

دادرسی افتراقی اطفال (چالش ها و نوآوری ها)

حمید کاکائی^{۱*}

کیومرث ایرانی منش^۲

گودرز نیازی^۳

اسماعیل نصیرزاده^۴

پیمان هرسیج ثانی^۵

محمود ترکیبی چوکامی^۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

چکیده

دادرسی افتراقی به شیوه‌ای خاص از اعمال عدالت قضایی اطلاق می‌شود که به دلیل اهمیت شرایط خاص افراد و گروه‌های تحت دادرسی، از روش‌های متفاوت و متمایز نسبت به دادرسی معمولی استفاده می‌کند. هدف دادرسی افتراقی، کاهش آسیب‌های احتمالی ناشی از فرآیند قضایی به گروه‌های آسیب‌پذیر مانند اطفال، نوجوانان یا افراد بزه‌دیده است. در این حوزه، قوانین و ساختارهای حقوقی تلاش می‌کنند تا با توجه به وضعیت روانی، اجتماعی و فرهنگی این گروه‌ها، فضایی مناسب برای رسیدگی به پرونده‌های ایشان فراهم آورند. این مقاله با رویکردی تحلیلی توصیفی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، دادرسی افتراقی را ابزاری برای بهبود پاسخ‌دهی به نیازهای خاص کودکان بزه‌دیده و تضمین عدالت موثر توصیف می‌کند. در این نوشتار، دادرسی افتراقی به‌عنوان بخشی از سیاست جنایی مطرح شده است که به مقابله با خشونت‌ها، آسیب‌های روانی و اجتماعی کودکان بزه‌دیده اختصاص دارد. این رویکرد، نه تنها در مراحل اولیه تحقیقات مقدماتی، بلکه در فرآیندهای محاکمه و انتخاب نوع مجازات نیز اعمال می‌شود. بر اساس قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، ایجاد سازوکارهای حمایتی مانند تعلیم و تربیت، مشاوره روان‌شناختی و بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی برای حفاظت از کودکان، جزء قلمرو این نوع دادرسی قرار می‌گیرد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، از مهم‌ترین منابع حقوقی است که به دادرسی افتراقی برای کودکان پرداخته است. ماده ۶ این قانون تأکید دارد که در مراحل دادرسی کیفری، کودکان باید مورد شناسایی دقیق قرار گرفته و وضعیت روانی، جسمی و اجتماعی آنان مد نظر قرار گیرد. همچنین، ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ضرورت برگزاری جلسات دادرسی به صورت غیرعلنی و مشارکتی تأکید دارد تا از آسیب‌های روانی بر کودکان جلوگیری شود. علاوه بر این، مطابق ماده ۲۲، آموزش و توانمندسازی قضات و کادر قضایی در برخورد با پرونده‌های کودکان بزه‌دیده، یکی از تأکیدات اصلی دادرسی افتراقی است.

واژگان کلیدی

دادرسی افتراقی، اطفال و نوجوانان، پرونده شخصیت، دادگاه ویژه، چالش‌ها.

۱- دانشجوی دکتری حقوق و مدرس دانشگاه، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: hamidkakaie306@yahoo.com)

۲- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گرایش اندیشه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران. kms.baj99@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

۴- مدرس دانشگاه، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند، تهران، ایران. es.nasirzadeh@gmail.com

۵- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی پرند، دانشجوی حقوق خصوصی و وکیل پایه یک دادگستری، تهران، ایران.

Peyman.sani.lawyer@gmail.com

۶- مدرس دانشگاه، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند، تهران، ایران. m.tarkibi58@gmail.com

مقدمه:

اطفال و نوجوانان به عنوان گروهی حساس و آسیب پذیر در جامعه نیازمند حمایت های ویژه هستند. سیاست جنایی اکثر کشورها تلاش دارد با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، مانع بزه دیدگی یا بزه کاری این گروه شود. در ایران، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، هر چند اقدام مهمی در حمایت از این گروه به شمار می رفت، اما به دلیل پراکندگی مواد و ضعف های ساختاری نتوانست پاسخگوی نیازهای حقوقی و اجتماعی در این حوزه باشد. افزایش موارد کودک آزاری و کاهش سن بزه دیدگی و بزه کاری، چالش های جدی را به دنبال داشته است که قانون گذاران را به تدوین قوانین جامع تر سوق داده است. وقوع جرم در سنین پایین نه تنها تأثیرات مستقیمی بر دوران کودکی دارد، بلکه زمینه ساز رفتارهای مجرمانه در بزرگسالی نیز می شود، به همین دلیل حمایت نظام مند از اطفال و نوجوانان یک ضرورت اجتماعی و حقوقی به شمار می رود. افزایش آمارهای مربوط به کودک آزاری و انتشار اخبار تلخ مرتبط با بزه دیدگی اطفال در رسانه ها، حساسیت عمومی و فشار اجتماعی را برای تصویب قانونی جامع تر افزایش داد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب اردیبهشت ۱۳۹۹، با گسترش مواد قانونی به ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره، نسبت به نسخه پیشین خود تحول قابل توجهی ایجاد کرد و نوآوری های چشمگیری در ساختار و محتوای قانون ارائه داد. این قانون ضمن ترکیب اصول کیفری با تدابیر تربیتی و ترمیمی، تلاش کرده است با کاهش توسل به مجازات حبس، پاسخ های حمایتی را در بستر اجتماع ارائه دهد. همچنین، دستگاه های قضایی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی موظف شده اند تکالیف مشخصی در زمینه حمایت از اطفال ایفا کنند. مقررات دقیق تر همراه با ضمانت های اجرایی لازم، نقاط قوت این قانون است که می تواند به تحقق بهتر حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان کمک کند. حمایت از اطفال و نوجوانان به عنوان یکی از ارزش های اجتماعی، در سیاست جنایی کشورهای اخلاق مدار نقش برجسته ای دارد. در ایران، با توجه به فرهنگ اسلامی، آموزه های مذهبی تأکید ویژه ای بر حقوق کودکان داشته و راهبردهای اخلاقی و انسانی در برخورد با آنان را مشخص کرده است. اسلام به حقوق همه جانبه کودکان توجه دارد و دستورات متعددی درباره مراقبت از حقوق این گروه ارائه کرده است. وقوع حوادث تلخی مانند تنبیه بدنی دانش آموزان یا کودک آزاری موجب شد تحقیق و تدوین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با دقت بیشتری پیگیری شود. قانون جدید، با تعریف دقیق مفاهیم و واژگان مرتبط، تعهدات قانونی دقیق تری را برای اشخاص حقیقی و حقوقی در نظر گرفته است تا از تفسیرهای مختلف و گریز از مفاد قانونی جلوگیری شود. این قانون، ضمن ارائه ضمانت های اجرایی مناسب، تلاش دارد روحیه تعامل اخلاقی و انسانی را در محافظت از حقوق اطفال و نوجوانان تقویت کند.

۱- تعریف دادرسی افتراقی اطفال و قلمرو دادرسی افتراقی اطفال**۱-۱ مفهوم دادرسی افتراقی**

دادرسی کیفری ویژه اطفال که از بدو تماس کودک و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی، به لحاظ ارتکاب اعمال مغایر با قانون جزا تا خاتمه رسیدگی به اتهام او جریان دارد از حیث ضرورت تامین هدف والای انسانی اصلاح و تربیت

و پیشگیری از وقوع جرم ایشان واجد اهمیت فراوان است شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می باشد از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصرأ یا غالباً در دادرسی اطفال فعالیت دارند باید از طریق ایجاد دوره های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روانشناسی کودک مددکاری اجتماعی و جرم شناسی آشنایی کاملی داشته باشند دادرسی باید کاملاً غیر علنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی روانشناسی مددکاری و جرم شناسی است.^۱

۱-۲ قلمرو دادرسی افتراقی اطفال

قلمرو دادرسی افتراقی محدود به مرحله قضایی نیست و تمامی مراحل از پیشگیری تا اجرای احکام را در بر می گیرد.

۱-۲-۱ مرحله پیش از دادرسی

مرحله پیش از دادرسی در دادرسی کیفری افتراقی اطفال و نوجوانان، تأکید ویژه ای بر تشخیص شرایط ویژه کودکان و نوجوانان و بهره گیری از رویکردهای پیشگیری دارد. این مرحله شامل شناسایی عوامل مؤثر بر بروز رفتار مجرمانه، توجه به شرایط اجتماعی، روانی و تربیتی افراد زیر سن قانونی و آموزش آنها برای جلوگیری از ورود به چرخه جرم است. بر اساس مقاله، یکی از اصول بنیادی پیش از دادرسی در این حوزه، بکارگیری عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری سنتی است. همچنین، سازوکارهایی نظیر آموزش خانواده ها، تقویت نظارت اجتماعی و ارائه خدمات مددکاری اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردارند.

در مرحله پیش از دادرسی، نیاز به تشکیل کمیته های تخصصی برای غربالگری پرونده های اطفال احساس می شود. این کمیته ها می توانند با بررسی دقیق عوامل بزهکاری، تشخیص دهند که آیا رفتار ارتكابی کودک نیاز به دخالت قضایی دارد یا امکان حل آن از طریق جایگزین های قانونی مانند میانجی گری، گفت و گو و اصلاحات رفتاری وجود دارد. این امر از تشکیل پرونده های غیرضروری جلوگیری کرده و اطفال را از ورود به سیستم قضایی که می تواند برای آنها آسیبزا باشد، مصون می دارد.^۲

یکی دیگر از جنبه های این مرحله، بهره گیری از نهادهای اداری و اجتماعی برای مدیریت پرونده ها قبل از ورود به دادگاه است. نظارت تخصصی بر مراکز آموزشی و تربیتی و ایجاد نهادهای حمایتی مانند مراکزهای مشاوره و مددکاری، ابزاری قدرتمند برای پیشگیری از تبدیل تخلفات و مشکلات رفتاری کودکان به جرائم کیفری است. با اتکا بر این سازوکارها، احتمال بازگشت مجدد اطفال به رفتارهای مجرمانه کاهش پیدا خواهد کرد. این مرحله همچنین شامل آموزش قضات، وکلا و مددکاران اجتماعی در برخورد با پرونده های مربوط به نوجوانان است. آشنایی این افراد با

^۱ - شعبانی، مهدی و قربانی، لیلا، ۱۳۹۵، دادرسی کیفری یژ اطفال و نوجواناندر حقوق ایران، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم اجتماعی، <https://civilica.com/doc/550704>

^۲ -قلیچ، معصومه (۱۳۹۹) دادرسی منصفانه اطفال ناظر بر واکنش نظام قضایی، پژوهش های حقوقی قانون یار، زمستان، دوره سوم، شماره ۱۲، ص ۱۰۳

اصول و قواعد دادرسی افتراقی، مانند اصل اصلاح و قابل ترمیم بودن رفتار کودکان، نقش کلیدی در اجرای روان تر این مرحله دارد. این آموزش ها باید بر اصول روان شناختی و تربیتی نیز متمرکز باشد تا رویکرد قضایی به اطفال و نوجوانان به شکلی حمایتی و پیشگیرانه شکل گیرد.^۱

براساس قواعد بین المللی به ویژه کنوانسیون حقوق کودک، بازداشت قبل از محاکمه باید تنها در موارد ضروری و به عنوان آخرین راه حل استفاده شود. برای جایگزینی این بازداشت، نهادهایی مانند نظارت اجتماعی و مراقبت شدید پیشنهاد شده اند. در تطبیق با این رویکرد، قانون گذار ایران در ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قرار "سپردن" اطفال و نوجوانان را به والدین، سرپرستان قانونی و همچنین افراد حقیقی یا حقوقی مصلحت دار پیش بینی کرده است. این مقررۀ تأکید دارد که "سپردن" اصل بوده و سایر اقدامات تأمینی از قبیل بازداشت، تنها در مواقع ضروری و دارای توجیه قابلیت اجرا دارند.

۱-۲-۲ مرحله پس از دادرسی

پس از دادرسی، مرحله اجرای احکام و نظارت بر اصلاح رفتار اطفال و نوجوانان آغاز می شود که هدف آن جبران خسارات، اصلاح رفتار و بازگشت بزه کاران جوان به جامعه است. در این مرحله، دستگاه قضایی تلاش می کند تا از آسیب های احتمالی روانی یا اجتماعی ناشی از دادرسی بر کودکان بکاهد و آنها را از چرخه جرم خارج کند. مهم ترین ویژگی این مرحله، استفاده از ابزارهای ترمیمی و تربیتی، مانند ارائه خدمات آموزشی و مشاوره روان شناختی، به جای اعمال مجازات های کیفری سخت گیرانه و سنتی است.

یکی از اقدامات مهم این مرحله، نظارت دقیق بر اجرای حکم ها و همکاری میان نهادهای قضایی، اجرایی و اجتماعی است. اجرای برنامه های اصلاحی، از جمله شرکت در دوره های بازپروری، کارآموزی و مشارکت در فعالیت های اجتماعی، می تواند به اصلاح رفتار نوجوانان کمک کرده و از ارتکاب جرائم مجدد جلوگیری کند. همچنین، نظارت مستمر مددکاران اجتماعی بر کودکان در طول دوره اصلاح و پس از آن، نقش مؤثری در تضمین موفقیت این مرحله دارد.^۲

پس از دادرسی، نظارت بر اجرای فرآیندهای عدالت ترمیمی نیز اهمیت ویژه ای دارد. در این مدل، تلاش می شود تا با جلب رضایت بزه دیده و ایجاد حس مسئولیت پذیری در کودک یا نوجوان بزه کار، آسیب های اجتماعی ناشی از جرم کاهش یابد. ایجاد ارتباط مثبت میان طرفین، بازسازی روابط اجتماعی و تقویت روحیه مشارکت اجتماعی از دستاوردهای کلیدی این رویکرد است.

^۱ -قلایی، میثم (۱۳۹۶) قوانین ناظر بر دادرسی اطفال در حقوق کیفری ایران، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، تابستان، دوره سوم، شماره ۲/۲، ص ۱۴۵

^۲ -بابایی، احسان و دیگران (۱۴۰۳) خانواده محوری در دادرسی کیفری اطفال بزه کار در حقوق کیفری ایران و الجزایر، آموزه های حقوق کیفری کشورهای اسلامی، تابستان، شماره ۲، ص ۶

در نهایت، مرحله پسدادرسی شامل برنامه ریزی و بازنگری قوانین و مقررات این حوزه نیز می شود. تجربه اجرای احکام و نظارت بر روند اصلاح رفتار کودکان در مرحله پس از دادرسی می تواند به قانون گذار در اصلاح سیاست های کیفری افتراقی کمک کند. در این راستا، ارائه راهکارهای مبتنی بر پژوهش های علمی، گسترش مراکز حمایتی و نظارت قانونی بر نحوه اجرای احکام می تواند باعث تحقق واقعی هدف های عدالت کیفری افتراقی شود.

۲- مبانی نظری دادرسی افتراقی اطفال

نظام حقوقی ایران با تصویب قوانین مرتبط، تلاش کرده است تا اصول دادرسی افتراقی را در تمامی مراحل اجرا کند. این اصول شامل مشارکت فعال مددکاران اجتماعی، روان شناسان و مشاوران حقوقی در فرآیند دادرسی است. قوانین داخلی علاوه بر ارائه حمایت های حقوقی، از مفاهیم و اصول مطرح شده در برخی کنوانسیون های بین المللی، نظیر کنوانسیون حقوق کودک^۱، بهره گرفته اند. از جمله اهداف این قوانین، حذف تبعیض و خشونت علیه کودکان و مقابله با آسیب های ناشی از فرآیندهای کیفری در قبال پرونده های بزه دیدگی کودکان است. مبانی دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بر اصول اخلاقی، تربیتی و حقوقی استوار است که هدف اصلی آن حمایت از آینده این گروه آسیب پذیر و حفظ منافع جامعه است. این نظام دادرسی تلاش می کند تا بین بزه کاری و امکان اصلاح تعادل برقرار کند و اطفال و نوجوانان را به عنوان گروهی دارای ویژگی های منحصر به فرد روان شناختی و رفتاری در نظر گیرد. به همین دلیل، دادرسی افتراقی از ابزارهای انعطاف پذیرتری نسبت به دادرسی بزرگسالان بهره می برد که در قوانین داخلی و اسناد بین المللی، نظیر کنوانسیون حقوق کودک، مورد تأکید قرار گرفته است. این اقدامات شامل مشارکت مددکاران اجتماعی، قضات تخصصی و سازمان های حمایتی است که همه در قالب سیاست جنایی تقنینی ایران جای گرفته اند تا اصلاح و بازگشت موثر مجرمین به جامعه تحقق یابد.

۲-۱-۱ اندیشه های فایده گرایی در مبانی دادرسی افتراقی

اندیشه فایده گرایی، به عنوان یکی از مکاتب فلسفی و حقوقی، در دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان تأثیر جدی دارد. این مکتب بر اساس اصل حداکثرسازی خیر عمومی و کاهش آسیب به جامعه عمل می کند. از منظر فایده گرایی، دادرسی افتراقی با هدف کاهش بازتولید بزه کاری و اصلاح مجرمان کودک و نوجوان طراحی شده است. قانون گذار با لحاظ ویژگی های روانی و رفتاری کودکان و نوجوانان، اقداماتی را پیشنهاد می کند که نه تنها کیفر متناسبی برای رفتار ارتكابی آنان تعیین کند، بلکه بستر بازپروری و بازگشت به جامعه را نیز فراهم سازد. به علاوه، مقررات دادرسی افتراقی بر اصل پیشگیری از ارتكاب جرم در آینده تأکید دارد؛^۲ بدین معنا که هدف اصلی کاهش آسیب اجتماعی و ارتقاء نظم جمعی از طریق تربیت و اصلاح کودکان است.

^۱ -CRC

^۲ -طاهری، سودابه و اسدی، حسن (۱۳۹۷) تحلیل جامعه شناختی بر آیین دادرسی مربوط به جرایم اطفال در فقه و حقوق موضوعه، علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، تابستان، شماره ۴۱، ص ۲۵۶

۲-۱-۲ اندیشه‌های برجسب‌زنی در مبانی دادرسی افتراقی

مکتب برجسب‌زنی^۱ نیز در دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان جایگاه ویژه‌ای دارد. فارغ از برخورد کیفری، این پارادایم بر عدم برجسب‌گذاری منفی بر کودکان و نوجوانان تمرکز دارد تا از تأثیرات مخرب اجتماعی و روانی ناشی از این اقدام جلوگیری شود. این نظریه باور دارد که برجسب مجرم‌بودن می‌تواند زمینه‌ساز تکرار بزهکاری و در نتیجه تداوم رفتار ناهنجار شود؛ بنابراین، مقررات دادرسی کیفری افتراقی تلاش می‌کنند کودک و نوجوان را در محیطی اصلاح‌گر و فاقد استیگما قرار دهند. چنین رویکردی، دقیقاً مطابق ایده عدالت ترمیمی، به تسهیل بازگشت مجرمین به جامعه با کمترین تأثیرات منفی اجتماعی کمک می‌کند. در این راستا، تلاش قضایی بر حذف تجارب داغ‌گذاری و تقویت هویت مثبت کودکان و نوجوانان معطوف است.

۲-۱-۳ پارادایم دادرسی افتراقی در حقوق کیفری

دادرسی افتراقی بر اساس پارادایم تخصصی و علمی عدالت کیفری طراحی شده است. این رویکرد با استفاده از امکان‌های حقوقی، بر تفکیک رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان از جرایم بزرگسالان تأکید می‌کند. تربیت و شخصیت‌سازی کودک و نوجوان در کانون توجه این پارادایم قرار دارد. در این نوع از دادرسی، ابزارها و راهکارهایی مانند میانجی‌گری، قضازدایی و عدالت ترمیمی نقش مهمی دارند تا کودک مجرم فهم درستی از پیامدهای رفتارهای خود پیدا کند و از چرخه بزهکاری خارج شود.^۲ در قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب ۱۳۹۲)، فصل مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان نشان‌دهنده تلاش برای نهادینه‌سازی این پارادایم است و نسبت به ایجاد سازوکارهای حمایتی، توجه ویژه‌ای دارد.

۳-چالش‌های دادرسی افتراقی اطفال

با وجود پذیرش اصول دادرسی افتراقی در قوانین داخلی، چالش‌هایی نظیر کمبود آموزش‌های تخصصی برای قضات و مددکاران اجتماعی، کمبود مراکز حمایتی و مشاوره و ضعف در هماهنگی میان نهادهای قضایی و اجرایی وجود دارد. این مقاله تأکید دارد که برای موفقیت در اجرای این قوانین، ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و هماهنگی میان نهادهای مرتبط، مانند پلیس، دستگاه‌های قضایی و نهادهای حمایتی، ضروری است. همچنین، فرهنگ‌سازی عمومی برای پذیرش این نوع دادرسی و توجه به حقوق کودکان، عنصر مهمی در تحقق اهداف دادرسی افتراقی است.

^۱ - Labelling Theory

^۲ - سیرت، پویا و همکار (۱۳۹۶) نوآوری‌های قانون کیفری جدید در جرایم اطفال، نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، بهار، دوره سوم، شماره ۲۱، ص ۷۴

۳-۱ چالش های حقوقی

۳-۱-۱ ابهام در قوانین مربوط به دادرسی اطفال

یکی از چالش های اساسی در دادرسی افتراقی اطفال، ابهاماتی است که در متن قوانین موجود وجود دارد. در برخی کشورها، قوانین دادرسی ویژه اطفال به خوبی تبیین نشده و اصول خاصی نظیر نحوه رفتار با طفل بزه کار یا تعریف دقیق از شرایط بزه دیدگی به شکل مبهم باقی مانده است.^۱ در ایران، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تلاش کرده است تا از این ابهامات جلوگیری کند و با ارائه مقرراتی چون ماده ۳۰۴ (تشکیل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان) اصولی را مشخص نماید؛ اما همچنان نبود تفسیرهای دقیق و رویه مشخص در برخی موارد، مانند نحوه اعمال عدالت ترمیمی یا مقررات ویژه برای نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال، از مشکلات محسوب می شود.

۳-۱-۲ تداخل میان قوانین دادرسی عمومی و مقررات خاص اطفال

اگرچه قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به ایجاد دادرسی افتراقی پرداخته، در عمل، تداخل میان قواعد قوانین عمومی و مقررات ویژه اطفال مشاهده می شود. برای مثال، ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری حکم به رسیدگی جرایم خاص نوجوانان در دادگاه کیفری یک می دهد، اما رویه های عمومی این دادگاه گاهی با اصول دادرسی افتراقی منافات دارد. این مسئله به تضاد در تطبیق قوانین عمومی و خاص منتهی شده و اجرای عدالت خاص برای این گروه را با چالش مواجه ساخته است.^۲

۳-۱-۳ عدم تعریف روشن از «کودک»

جایگاه ویژه اطفال در نظام های حقوقی، به ویژه در کشورهای اسلامی، موجب شده است که قانون گذار ایران با اصلاح قوانین پیشین، اقدامات متعددی را برای حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان بزه کار انجام دهد، از جمله ایجاد پلیس اطفال و دادسرای ویژه اطفال در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. این قانون با معرفی سن بلوغ شرعی به عنوان معیار مسئولیت کیفری و رفع چالش هایی مانند امکان تنبیه بدنی اطفال بزه کار و عدم تناسب واکنش های پیشین، تلاش کرده است تا ضمن هم سویی بیشتر با موازین بین المللی، دوره کودکی را در جرایم موجب حد و قصاص تا ۱۸ سالگی گسترش دهد. با این حال، عدم تعریف واحد و دقیق از «کودک» در نظام حقوقی ایران، همچنان مانعی جدی در مسیر تحقق اصول دادرسی افتراقی محسوب می شود و نیاز به بررسی و اصلاحات بیشتر در این زمینه وجود دارد.

۳-۲ چالش های اجرایی

۳-۲-۱ کمبود قضات و کارکنان آموزشی متخصص در زمینه دادرسی اطفال

دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان نیازمند قضات و کارشناسانی است که دانش روان شناختی، تربیتی و حقوقی کافی نسبت به اطفال داشته باشند. در حال حاضر، کمبود تخصص لازم در این حوزه از موانع اصلی است. مطابق ماده ۴۲۰

^۱ -نکونام، وحید (۱۴۰۲) دادرسی افتراقی اطفال بزه دیده در مرحله پیش محاکمه، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، تابستان، شماره ۴۱، ص ۲۶۴

^۲ -تقی زاده، مرتضی (۱۳۹۹) نوآوری های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، نشریه فقه و حقوق نوین، پاییز، شماره ۳، ص ۲۹۹

قانون آیین دادرسی کیفری، قضات این دادگاه‌ها باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند، اما در عمل، کمبود آموزش‌های لازم برای قضات و کمبود کارشناسان متخصص، مانعی جدی در اجرای مؤثر این مقررات است. این ضعف باعث می‌شود که بسیاری از پرونده‌های اطفال به شیوه‌ای مشابه با بزرگسالان مدیریت شود که برخلاف اصول افتراقی است. دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان نیازمند قضات و کارشناسانی است که دانش روان‌شناختی، تربیتی و حقوقی کافی نسبت به اطفال داشته باشند. در حال حاضر، کمبود تخصص لازم در این حوزه از موانع اصلی است.^۱ مطابق ماده ۴۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، قضات این دادگاه‌ها باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند، اما در عمل، کمبود آموزش‌های لازم برای قضات و کمبود کارشناسان متخصص، مانعی جدی در اجرای مؤثر این مقررات است. این ضعف باعث می‌شود که بسیاری از پرونده‌های اطفال به شیوه‌ای مشابه با بزرگسالان مدیریت شود که برخلاف اصول افتراقی است.

۲-۲-۳ نبود زیرساخت‌های مناسب

با وجود پیش‌بینی تشکیل شعب تخصصی در محاکم برای جرایم اطفال (ماده ۳۰۴)، محدودیت‌های زیرساختی، به‌خصوص در شهرهای کوچک، این الزام‌آوری را به چالش کشیده است. نبود فضاهای فیزیکی مناسب، کمبود کانون‌های اصلاح و تربیت مطابق ماده ۵۲۵ و ناکارآمدی مراکز بازپروری از جمله موانع اصلی هستند. ضعف در تشکیل پرونده شخصیت اطفال نیز، به دلیل بار سنگین پرونده‌ها و نبود زمان کافی برای مطالعه شرایط فردی کودک، مانع از دستیابی به عدالت کیفری افتراقی شده است.

۳-۲-۳ ضعف در آموزش حقوقی و روش‌های تربیتی مرتبط با اطفال

۳-۳ چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

۱-۳-۳ تاثیر دیدگاه‌های سنتی جامعه بر فرآیند دادرسی اطفال

یکی دیگر از چالش‌های دادرسی افتراقی اطفال، مقاومت ناشی از دیدگاه‌های سنتی و متعارف جامعه است. این باورها گاه بر این استوارند که تنبیه بدنی و مجازات شدید بهترین روش اصلاحی برای اطفال بزه‌کار است. این نگرش‌ها که در تضاد با اصول عدالت ترمیمی قرار دارد، حتی ممکن است در خانواده‌های کودکان یا مجریان دادرسی نیز دیده شود.^۲ به‌کارگیری روش‌های دادرسی افتراقی مانند میانجی‌گری یا بازپروری آموزشی به دلیل این نگرش‌های نهادینه شده در جامعه، با سنگ‌اندازی مواجه می‌شود.

۲-۳-۳ نبود فرهنگ‌سازی عمومی در مورد ضرورت توجه به عدالت ترمیمی برای کودکان

عدالت ترمیمی که بر اصلاح رفتار و بازسازی رابطه بزه‌کار-بزه‌دیده استوار است، در میان بسیاری از مردم و حتی متخصصان حقوقی به اندازه کافی شناخته نشده است. برای مثال، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، نقش سازمان‌های

^۱ -جعفری، بهرام (۱۳۹۹) جلوه‌های سیاست افتراقی کیفری در قبال کودکان بزه‌دیده با نگاهی به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نشریه حقوق کودک، تابستان، شماره ۶، ص ۷۷

^۲ -میرکمالی، سید علیرضا و حسینی، انسیه (۱۳۹۵) دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری، پاییز وزمستان، شماره ۱۴، ص ۲۴۸

مردم نهاد در اعلام جرم و پیشبرد عدالت ترمیمی را به رسمیت می شناسد، اما مشارکت این نهادها به دلیل نبود فرهنگ سازی و عدم آگاهی عمومی به درستی انجام نمی شود. توسعه سازوکارهای آموزشی و ترویج مفاهیمی نظیر بازپروری می تواند نتایجی مثبت در این زمینه به همراه داشته باشد.

۴- نوآوری ها در دادرسی افتراقی اطفال

۴-۱ نوآوری های تقنینی

۴-۱-۱ اصلاح و به روزرسانی قوانین مرتبط با کودک و نوجوان

در خصوص تعدیل قرارهای تأمین کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار به موجب ماده ۲۸۷ این قانون در مرحله تحقیقات مقدماتی مقامات قضایی مکلف هستند در وهله اول طفل بزهکار را تحویل ولی یا سرپرست قانونی یا هر شخص حقیقی و حقوقی ذیصلاح دهند و آنان را ملزم به حاضر کردن اطفال کنند و صرفاً در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال می توان التزام به حضور گرفت و اخذ وثیقه یا کفالت صرفاً از افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله امکان پذیر است و در صورت ضرورت بازداشت قرار نگهداری آنان در کانون اصلاح و تربیت صادر می شود.^۱ تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور؛ این موضوع به موجب ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری به همه جرایم اطفال و افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال در دادگاه اطفال که طبق ماده ۲۹۸ همین قانون باید با حضور یک قاضی و دو مشاور باشد، رسیدگی می شود و در مواردی که طفل یا نوجوان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شود طبق ماده ۳۱۵ همان قانون به جرایم طفل در دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان با برخورداری متهم از همه امتیازات مرتبط رسیدگی می شود. یکی از مهم ترین نوآوری های قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پیش بینی ضمانت اجرای ترمیمی است که به ویژه در رابطه با اطفال و نوجوانان بزهکار اهمیت زیادی دارد. بر اساس ماده ۲۸۷ این قانون، مقامات قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی مکلف اند در وهله اول طفل یا نوجوان بزهکار را به ولی، سرپرست قانونی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی ذیصلاح تحویل دهند و آنها را ملزم به تضمین حضور طفل در مراحل دادرسی کنند.^۲ التزام به حضور یا اخذ وثیقه، صرفاً برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله امکان پذیر است و در صورت ضرورت بازداشت، این افراد باید در کانون اصلاح و تربیت نگهداری شوند. این موارد نشان دهنده کاهش استفاده از مجازات های سخت گیرانه و جایگزینی آنها با اقدامات حمایتی و تربیتی است.

۴-۱-۲ تدوین مقررات بین المللی و سازگارسازی آنها با قوانین ملی

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با توجه به فقدان حکم خاص در برخی موارد امکان اعمال مقررات عمومی نسبت به اطفال وجود دارد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار تشریفات ویژه ای را برای تحقیقات

^۱ - احمدی مقدم، جواد و نیری، نرگس، ۱۳۹۷، نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد، <https://civilica.com/doc/771210>

^۲ منصور آبادی، عباس و دیگران (۱۴۰۰) مبانی و جلوه های جایگزین های دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۵۳، ص ۹۹

مقدماتی، محاکمه و نحوه اجرای تصمیمات قضایی مربوط به کودکان و نوجوانان تعریف کرده است. قانون جدید، نوعی دادرسی افتراقی برای اطفال بزهکار و اشخاص کمتر از ۱۵ سال و کودکان بالغ کمتر از ۱۸ سال تدارک دیده است که جنبه انعطاف پذیر و سریع دارد و به گونه ای است که قاضی بر اساس آن ها بیشتر به دنبال بازپروری و تربیت طفل است تا مجازات آن، به علاوه در مورد جرایم افراد زیر ۱۵ سال، وظایف تحقیق و دادرسی را یک قاضی انجام می دهد و نهاد خانواده و والدین در کلیه مراحل فرآیند کیفری حضور داشته و با نظام عدالت کیفری همکاری می کنند. به موجب این مواد رسیدگی مقدماتی از جمله تعقیب و تحقیق توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می گیرد و دادگاه کلیه ی وظایفی که برابر قانون به عهده ضابطان دادگستری است را راسا انجام می دهد. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قانون گذار اصول و شیوه های اختصاصی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان تعریف کرده است. این امر تحت تأثیر اسناد بین المللی، همچون کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) صورت گرفته و شفافیت و انسجام بیشتری به قوانین داخلی داده است. دادرسی اطفال در این قانون با تأکید بر بازپروری و تربیت، به جای مجازات، تعریف شده است. از جمله اقدامات مبتنی بر این رویکرد، وظیفه قاضی در انجام تحقیقات مقدماتی و نظارت بر کل فرآیند دادرسی در جرایم افراد کمتر از ۱۵ سال است. به علاوه، حضور خانواده و والدین در تمامی مراحل دادرسی ضروری است تا تأثیرات منفی فرآیند قضایی بر کودک به حداقل برسد.^۱ همچنین، رسیدگی مقدماتی، شامل تعقیب و تحقیق در این موارد، صرفاً توسط دادرس یا قاضی تحقیق انجام می شود. این ماده ها سبب کاهش مداخله ضابطان دادگستری و تقویت نظارت قضایی شده است. از سوی دیگر، این قانون در راستای انطباق با تعهدات بین المللی، سازوکارهای ویژه ای را همچون تشکیل پلیس تخصصی اطفال و نوجوانان معرفی کرده است تا فرآیند قضایی با نگاه حمایتی و بازپرورانه پیش برود.

۴-۲ نوآوری های قضایی

۴-۲-۱ ایجاد شعب تخصصی دادرسی برای اطفال

اختصاص شعبه ویژه ای از محاکم تجدیدنظر برای رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای صادره از دادگاه های اطفال را هم از دیگر نوآوری های است. به موجب ماده ۴۴۴ این قانون مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان شعبه ای از دادگاه تجدیدنظر است که با ابلاغ خاص رییس قوه قضاییه تعیین می شود. تشکیل دادگاه اختصاصی اطفال و نوجوانان که شامل یک قاضی و دو مشاور است نیز گامی دیگر در راستای توجه ویژه به برخورد کیفری با این گروه آسیب پذیر است. طبق ماده ۳۰۴ این قانون، تمامی جرایم اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال در این دادگاه ها بررسی می شود. همچنین، بر اساس ماده ۳۱۵، در مواردی که نوجوان مرتکب جرایم مهم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شود، رسیدگی در دادگاه کیفری یک ویژه اطفال با اعطای تمامی حقوق مرتبط به متهم

^۱ - کشکولیان، اسماعیل و حیدری، مسعود (۱۴۰۰) سیر تحولات دادرسی دادگاه اطفال در حقوق کیفری ایران، حقوق کودک، بهار، شماره ۹، ص ۳۹

انجام خواهد شد. این رویکرد، تلاش دارد توازن میان عدالت کیفری و حمایت از منافع اطفال و نوجوانان ایجاد کند.^۱ در خصوص ممنوعیت شاکی از اعتراض به آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان در زمینه میزان و نوع مجازات مقرر در حکم دادگاه باید گفت، مستفاد ماده ۴۴۷ این قانون مدعی خصوصی صرفاً از حکم مربوط به ضرر و زیان یا برائت، قرار منع تعقیب، موقوفی، تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی پرونده حق تجدیدنظرخواهی دارد، بنابراین در مورد میزان و نوع مجازات مقرر حق اعتراضی ندارد.

طبق ماده ۵۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید این افراد در کانون های اصلاح و تربیت نگهداری می شوند. این کانون ها در مرکز هر استانی برای تمرکز بر موضوع آموزش و اصلاح زندانیان فعالیت می کنند. نظارت مستمر قضات دادگاه اطفال بر عملکرد کانون های اصلاح و تربیت را ضروری است و ارزیابی در راستای تامین اثربخش اقدام ها و برنامه های کانون اصلاح و تربیت براساس ماده ۵۲۶ قانون مذکور قضات دادگاه های اطفال مکلف شده اند تا نسبت به عملکرد کانون اصلاح و تربیت و طرز تعلیم و تربیت همچنین پیشرفت مددجویان (اطفال) نظارت منظمی داشته باشند تا در صورت بروز مشکل یا وجود نقص و نارسایی نسبت به رفع آن و رسیدن به فلسفه اقدامات تأمینی و تربیتی اقدام کنند. از جمله مهم ترین نوآوری های قضایی، اختصاص شعب تخصصی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان است. بر اساس ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اعتراض به آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در شعب خاصی از دادگاه های تجدیدنظر که توسط رئیس قوه قضاییه تعیین می شوند، بررسی می شود. این امر موجب تمرکز و کارآمدی بیشتر در رسیدگی به پرونده های مرتبط با اطفال و نوجوانان می گردد. علاوه بر این، ماده ۴۴۷ قانون بیان می کند که مدعی خصوصی (شاکی) در جرایم اطفال تنها حق اعتراض به جنبه های حقوقی (ضرر و زیان، برائت، یا قرارهای موقوفی تعقیب و غیره) دارد و نمی تواند به نوع یا میزان مجازات اعتراض کند. این محدودیت به هدف حمایت بیشتر از اطفال در فرایند قضایی اعمال شده است.^۲ همچنین، مطابق ماده ۵۲۵، نگهداری نوجوانان متهم یا محکوم در کانون های اصلاح و تربیت انجام می شود. این کانون ها که در مراکز استان ها وجود دارند، با تأکید بر آموزش و بازپروری، تلاش می کنند نوجوانان را به یک مسیر سالم در زندگی بازگردانند. به علاوه، بر اساس ماده ۵۲۶، قضات دادگاه های اطفال موظف اند به صورت دوره ای از این کانون ها بازدید کنند و عملکرد آن ها را ارزیابی نمایند تا نواقص احتمالی اصلاح و زمینه اثربخشی بیشتر فراهم شود.

۴-۲-۲ توسعه عدالت ترمیمی و جایگزین های مجازات کیفری

یکی از رویکردهای مهم در این قانون، بهره گیری از عدالت ترمیمی و اقدامات جایگزین است. از جمله این اقدامات، میانجی گری و عدم مداخله کیفری است که در تعامل با نهادهای حمایتی و خانواده ها صورت می گیرد. این فرآیند نه تنها

^۱ - مؤذن زادگان، حسینی و غلامی، نبی الله (۱۳۹۸) واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص قرارهای تامین کیفری اطفال و نوجوانان، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق پردیس خواهران، دوره ۲۴، شماره ۷۰، بهار و تابستان، ص ۱۵۶

^۲ - عباسی، نیکزاد و دیگران (۱۳۹۷) بررسی و نقد جلوه های ظهور دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انتظامی اجتماعی، زمستان، شماره ۲۸، ص ۱۷۸

به کاهش بار قضایی کمک می‌کند، بلکه امکان اصلاح رفتار نوجوان بزهکار را از طریق مشارکت مستقیم او در پذیرش مسئولیت فراهم می‌سازد.^۱ این سیاست‌های ترمیمی، به‌جای تمرکز بر مجازات، تلاش دارند نوجوان بزهکار را از بزه‌دیدگی یا ارتکاب مجدد جرم دور نگه دارند.

۴-۲-۳ تشکیل پرونده شخصیت

قانون حمایت برای نخستین بار تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان بزه دیده و در معرض خطر را پیش‌بینی نمود و این امر از بند ب ماده ۵ این قانون قابل استنباط می‌باشد. واضح است که تشکیل پرونده شخصیت برای طفل و نوجوان بزه دیده تا چه میزان در تحقق اهداف پیشگیری رشدمدار مؤثر بوده و از شکل‌گیری شخصیت جنایی در کودک یا نوجوان در معرض خطر جلوگیری می‌کند؛ لیکن از چالش‌های اجرایی این قانون می‌توان به نبود سازکارهای مناسب برای تشکیل پرونده شخصیت اطفال و نوجوانان بزه دیده اشاره نمود. به صورت کلی تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران با موانعی روبه‌روست و چه بسا با توجه به نوظهور بودن پدیده تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان بزه دیده، این موانع دوچندان خواهد شد.^۲ از جمله موانع تشکیل این پرونده، تراکم پرونده‌های کیفری و تالی فاسد آن در فردی کردن تصمیمات قضایی می‌باشد. یکی از شروط اصل فردی کردن تصمیم‌های قضایی، بررسی ابعاد گوناگون شخصیت متهم یا مجرم توسط متخصصان و ارائه گزارش نتیجه مطالعات به مقام قضایی می‌باشد که لازمه این امر اعطای زمان مناسب و کافی به متخصصان و قضات می‌باشد. این شرایط زمانی مهیا می‌شود که تعداد پرونده‌های ارجاعی به مقام قضایی (اعم از دادسرا و دادگاه) زیاد نباشد تا آنها بتوانند با آسودگی خاطر به جمع‌آوری دلایل و مدارک و شناسایی شخصیت متهم و یا مجرم بپردازند. آنچه بیشتر از همه در کاهش این آمار مؤثر است محدود بودن عناوین مجرمانه می‌باشد زیرا زمانی که قانونگذار هر نوع مصوبه‌ای راجع به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی را تصویب کرده، جهت تضمین اجرای آن برای متخلفان ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کند و مرجع صالح برای رسیدگی به آن را دستگاه قضایی معرفی نماید؛ نتیجه‌ای جز رشد تصاعدی آمار پرونده‌های مطرح در محاکم کیفری به همراه نخواهد داشت. در نتیجه این امر فرصتی برای مطالعه پرونده، تجزیه و تحلیل شخصیت متهم و بررسی علمی دلایل ارتکاب جرم باقی نمی‌ماند و تشکیل پرونده شخصیت مورد غفلت قرار خواهد گرفت.^۳ با توجه به اهمیت حمایت قضایی از کودکان بزه‌دیده در فضای مجازی، یکی از راهکارهای حمایت‌کننده از اطفال و بازدارنده از جرم‌آیندگی علیه اطفال، می‌تواند اختصاص قاضی مخصوص به جرایم رایانه‌ای علیه اطفال باشد، قطعاً تخصص به امور رایانه‌ای از یک سو و داشتن اطلاعات مکفی در خصوص کودکان و بزه‌دیدگی آنها، هم می‌تواند آرای صادره را به عدالت

^۱- مؤذن زادگان، حسنعلی و غلامی، نبی اله، ۱۳۹۸، واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص قراردادهای تامین کیفری اطفال و نوجوانان، <https://civilica.com/doc/1011399>

^۲- همان

^۳- پور مطلق، هادی و همکار (۱۴۰۱) آیین دادرسی کیفری ناظر بر مرحله ضمن محاکمه با نگاه به حقوق مدنی و سیاسی ایران و اسناد جامعه ملل، جامعه شناسی سیاسی ایران، بهمن، شماره ۲۷، ص ۵۵۳۸

نزدیکتر سازد و هم می تواند بزه دیدگی کودک را مدیریت بهتری کند تا کمترین آسیب به طفل وارد شود و هم می تواند در قبال مجرم به نحوی عمل کند که از بازدارندگی بیشتری برخوردار باشد.

۴-۲-۴ تشکیل شعب پلیس ویژه اطفال

با توجه به این که کودکان و نوجوانان سهم قابل توجهی از جمعیت ایران را تشکیل می دهند، حمایت از حقوق آنها ایجاب می کند که نظام دادرسی اختصاصی برای این گروه حساس طراحی شود. در این راستا، ایجاد شعب تخصصی پلیس اطفال، به ویژه در حوزه جرایم سایبری، می تواند گامی اساسی در پیشگیری از تهدیدات علیه کودکان در فضای مجازی باشد. تخصیص پلیس ویژه برای حفاظت از اطفال و نوجوانان در این حوزه، نه تنها اقداماتی بازدارنده و حمایتی را تسریع می کند، بلکه از طریق آگاه سازی عمومی، مجرمان احتمالی را از ارتکاب جرم منصرف خواهد ساخت.^۱ همچنین، در فرآیند دادرسی، اتخاذ سیاست های جایگزین به جای ارجاع مستقیم کودکان به نظام قضایی، با بهره گیری از پلیس تعاملی و نشست های خانوادگی، می تواند گامی کارآمد برای جلوگیری از آثار منفی ورود کودکان به فضای عدالت کیفری باشد.

۴-۲-۵ آیین دادرسی ویژه اطفال در مراحل صدور حکم

دادرسی ویژه اطفال، از نخستین تماس کودک با نظام دادرسی تا پایان صدور حکم، بر مبنای اهداف انسانی مانند پیشگیری از جرم و اصلاح کودک طراحی شده است. این نوع دادرسی، از دادرسی بزرگسالان متمایز است؛ به ویژه در مواردی مانند ضرورت آموزش تخصصی برای پلیس و قضات فعال در حوزه اطفال و رعایت اصولی همچون غیرعلنی بودن محاکمات و تشکیل پرونده شخصیت. پرونده شخصیت، شامل نظرات تخصصی روان شناسان، مددکاران اجتماعی و جرم شناسان است و در کنار پرونده کیفری، برای تعیین واکنش مناسب نسبت به کودک بزه کار بسیار حیاتی است. همچنین قوانین جدید آیین دادرسی کیفری ایران، با پیش بینی نهادهای حمایتی مانند مددکاران اجتماعی و پلیس ویژه اطفال، در جهت تضمین منافع عالی کودکان و تطبیق با استانداردهای بین المللی گامی اساسی برداشته است.

۴-۲-۶ تعیین وکیل تسخیری

حق داشتن وکیل در پرونده های قضایی، به ویژه در جرایم مرتبط با اطفال، حقی تثبیت شده در قوانین داخلی و بین المللی است. در جرایم رایانه ای که اطفال به عنوان بزه دیده حضور دارند، تعیین وکیل تسخیری برای کودک نه تنها مانع تاثیر منفی اضطراب و ناآگاهی کودک از فضای دادرسی خواهد شد، بلکه حمایت حقوقی را برای او تضمین می کند. بر اساس ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم مهم، حضور وکیل برای افراد زیر ۱۸ سال الزامی است.^۲ علاوه بر این، قواعد بین المللی مانند ماده ۷ و ۱۵ حداقل قواعد سازمان ملل و مواد ۳۹ و ۴۰ پیمان حقوق کودک، بر ضرورت

^۱ -سعادت مند، محمد و قناد، فاطمه (۱۳۹۵) تشکیلات قضایی و آیین دادرسی کیفری ناظر بر اطفال بزه کار و نوجوانان، تحقیقات جدید در علوم انسانی، پاییز، دوره سوم، شماره ۱۳، ص ۸۹

^۲ احمدی مقدم، جواد و نیری، نرگس، ۱۳۹۷، نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد، <https://civilica.com/doc/771210>

حضور وکیل و والدین در رسیدگی‌های قضایی تأکید دارند. این حمایت حقوقی می‌تواند برای اطفال بزه‌دیده‌ای که از نظر مالی قادر به تأمین هزینه وکیل نیستند، حیاتی باشد و عدم رعایت آن، بی‌اعتباری مراحل دادرسی را در پی خواهد داشت.

۴-۲-۷ افزایش مجازات و محدودیت علل مخففه در جرایم علیه اطفال

در قوانین ایران، جرم‌انگاری جرایم علیه اطفال از طریق افزایش مجازات‌های مربوطه، رویکردی پیشگیرانه را دنبال می‌کند. برای برخی مجرمان جنایات علیه اطفال، محدودیت‌هایی در استفاده از علل مخففه مانند تعلیق، آزادی مشروط و دستبند الکترونیکی ایجاد شده است. این تدابیر محدودکننده با هدف ایجاد بازدارندگی نسبت به مجرمان احتمالی طراحی شده و امنیت بیشتری برای کودکان در فضای مجازی فراهم می‌آورد. همچنین، برای جرایم شدید علیه کودکان، مجازات‌های تعزیری نظیر انتقال به مراکز تربیتی به جای زندان، با هدف اصلاح و بازپروری این افراد در نظر گرفته شده است.^۱ این سیاست جنایی افتراقی، با تطبیق اصول عدالت ترمیمی، تلاش دارد هم از آثار منفی زندان بر کودکان پیشگیری کند و هم از تکرار جرم علیه آنان جلوگیری نماید.

۴-۲-۷ غیرعلنی بودن دادرسی و حضور والدین یا سرپرستان قانونی

دادرسی غیرعلنی در پرونده‌های اطفال، یکی از اصول اساسی دادرسی افتراقی اطفال است که با هدف حفظ حریم شخصی و شأن کودک بزه‌کار یا بزه‌دیده رعایت می‌شود. بر اساس ماده ۳۸ قانون حمایت از اطفال مصوب ۱۳۹۹، والدین و سرپرستان قانونی موظف‌اند در جلسات دادرسی حضور داشته باشند و علاوه بر ارائه نظرات مشورتی، در حمایت عاطفی و روانی از کودک نقش ایفا کنند. این قانون، حضور یک مددکار اجتماعی و نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه حقوق کودک را نیز پیش‌بینی کرده است.^۲ این تدابیر به‌ویژه در جرایم مرتبط با فضای مجازی که عموماً آثار حیثیتی برای اطفال دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و از کودکان در قبال بحران‌های روحی و اجتماعی به‌صورت مؤثرتری حمایت می‌کنند.

۴-۳-۳ نوآوری‌های تربیتی و اجتماعی

۴-۳-۱ طراحی برنامه‌های بازپروری آموزشی و روان‌شناختی برای کودکان

بر اساس قوانین جدید، برنامه‌های بازپروری برای کودکان بزه‌کار همراه با نظارت قضات و مددکاران اجتماعی پیش‌بینی شده است. این برنامه‌ها شامل خدمات مشاوره روان‌شناختی، جلسات آموزشی و مهارت‌آموزی هستند که هدف آن هم

^۱ - عسگری ارجنگی، سید احمد (۱۴۰۰) تاملی بر دادرسی کیفری افتراقی جرایم اطفال و نوجوانان از حیث تشریفات رسیدگی در نظام حقوقی جمهوری

اسلامی ایران، اراء، پاییز، شماره ۲۲، ص ۶۸

^۲ - نیازپور، امیرحسین، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان (۱۳۹۳)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ص ۷۸

اصلاح و هم توانمندسازی اطفال است.^۱ علاوه بر این، کودکانی که در معرض خطر یا بزه دیده شناخته می‌شوند، باید تحت حمایت مددکاران اجتماعی قرار گیرند تا از بروز مشکلات جدید جلوگیری شود.

۴-۳-۲ همکاری با نهادهای حمایتی غیردولتی برای مدیریت بهتر امور اطفال

قانون‌گذار با بهره‌گیری از نقش نهادهای غیردولتی، امکان همکاری آن‌ها در طرح شکایت، پیگیری جرایم علیه اطفال (بر اساس ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری) و اجرای برنامه‌های حمایتی و تربیتی را فراهم کرده است.^۲ همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی برای والدین و سرپرستان کودکان بزهکار یا در معرض خطر، به‌عنوان بخش مهمی از برنامه‌های پیشگیرانه اجتماعی در نظر گرفته شده است. این دوره‌ها در ارتقای آگاهی والدین و کاهش خطرات مرتبط با بزهکاری کودکان نقش کلیدی دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

واکنش جوامع در مقابل کودکان بزهکار طی زمان و بسته به شرایط فرهنگی و تمدن هر ملت متفاوت بوده است. امروزه، نظام دادرسی اطفال محصول تحولات طولانی مدت و تأثیرپذیری از دیدگاه‌های جهانی است که منجر به تغییر رویکرد در مواجهه با جرائم اطفال نسبت به بزرگسالان شده است. برخلاف گذشته که بر مجازات‌های شدید و دادرسی سخت برای کودکان تأکید می‌شد، سیاست‌های کیفری مدرن بر اصلاح، تربیت و بازسازی کودکان تمرکز دارد. دادرسی کیفری ویژه اطفال به عنوان فرآیندی افتراقی از ابتدای تماس کودک با دستگاه قضایی تا پایان دادرسی، نقش مهمی در پیشگیری از جرم و تحقق اصلاح تربیتی ایفا می‌کند. قانون قبلی آیین دادرسی کیفری ایران در این زمینه با چالش‌هایی مواجه بود که موجب ناکارآمدی تلاش‌های حقوقی برای حمایت از اطفال گردید.

قانون رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در ایران با ارائه راهکارهای نوین و پیشرفته گامی مهم در ارتقای حقوق کیفری اطفال و نوجوانان به شمار می‌آید. این قانون تلاش کرده که از یک سو با وارد کردن اصول حقوق بین‌الملل و جرم‌شناسی اطفال و از سوی دیگر سازگاری با مقررات فقهی، به قانون‌گذاری مطلوب دست یابد. در حوزه مسئولیت کیفری، قانون‌گذار به جای ایجاد تغییر در معیارهای شرعی، از طریق دسته‌بندی سنی اطفال و متناسب‌سازی اقدامات قضایی با شرایط سنی آن‌ها، به کاهش تبعات منفی سن پایین مسئولیت کیفری در ایران پرداخته است. همچنین اتخاذ تدابیر ترمیمی در این قانون، از جمله جلوگیری از استفاده بی‌رویه از مجازات حبس در محیط‌های بسته، به حفظ سلامت روانی و اجتماعی اطفال و نوجوانان معارض با قانون کمک کرده است.

قانون جدید، با تلفیق دیدگاه‌های ملی و بین‌المللی، نوآوری‌هایی همچون ایجاد دادرسی و دادگاه‌های تخصصی اطفال، سازمان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، نهاد مددکاری اجتماعی، میانجی‌گری کیفری، تعویق صدور حکم و سایر تدابیر را

^۱ -جهانی چنانفرد، میلاد (۱۴۰۰) بررسی نقض و چالش‌های حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در جریان دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان، حقوق و مطالعات سیاسی، پاییز، شماره ۳، ص ۲۲۷

^۲ -احمدیانی، محمد امین و دیگران (۱۳۹۵) دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با نگاهی به اسناد بین‌المللی، اندیشمندان حقوق، بهار، شماره ۸، ص ۲۲

ارائه داده است. این نوآوری‌ها به ارتقای حقوق کیفری افتراقی در ایران کمک کرده و بسیاری از آن‌ها در قوانین پیشین کشور وجود نداشتند. تاکید بر رویکردهای تربیتی-ترمیمی و اجرای تدابیر حمایتی در بستر اجتماع، گامی مثبت در سازگاری قوانین ایران با کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بین‌المللی است. این تغییرات نشان‌دهنده تحولی بنیادین در فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان و فاصله گرفتن نظام قضایی از الگوی سنتی مجازات به سمت اصلاح و تربیت هستند. نویسنده پیشنهاد می‌دهد که قوانینی نظیر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان باید از طریق اصلاحات دوره‌ای، با تجربیات عملی و پژوهش‌های علمی در این حوزه تطبیق یابد. همچنین، توسعه نهادهای تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌های کودکان بزه‌دیده، آموزش‌های تخصصی به کارکنان قضایی و مشارکت فعالانه نهادهای اجتماعی و بین‌المللی در مراحل مختلف دادرسی، می‌تواند به گسترش دادرسی افتراقی در ایران کمک کند. از سوی دیگر، تقویت نظارت قانونی بر اجرای دادرسی افتراقی و ارزیابی نتایج آن، ابزار مهمی برای شفافیت و پیشرفت این نوع سیاست‌های حمایتی خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. احمدیانی، محمد امین و یدگران (۱۳۹۵) دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در قانون این دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با نگاهی به اسناد بین‌المللی، اندیشمندان حقوق، بهار، شماره ۸.
۲. بابایی، احسان و دیگران (۱۴۰۳) خانواده محوری در دادرسی کیفری اطفال بزهکار در حقوق کیفری ایران و الجزایر، آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی، تابستان، شماره ۲.
۳. پور مطلق، هادی و همکار (۱۴۰۱) این دادرسی کیفری ناظر بر مرحله ضمن محاکمه با نگاه به حقوق مدنی و سیاسی ایران و اسناد جامعه ملل، جامعه شناسی سیاسی ایران، بهمن، شماره ۲۷.
۴. تقی زاده، مرتضی (۱۳۹۹) نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، نشریه فقه و حقوق نوین، پاییز، شماره ۳.
۵. جعفری، بهرام (۱۳۹۹) جلوه‌های سیاست افتراقی کیفری در قبال کودکان بزه‌دیده با نگاهی به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نشریه حقوق کودک، تابستان، شماره ۶.
۶. جهانی چنارفرد، میلاد (۱۴۰۰) بررسی نقض و چالش‌های حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در جریان دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان، حقوق و مطالعات سیاسی، پاییز، شماره ۳.
۷. سعادت‌مند، محمد و قناد، فاطمه (۱۳۹۵) تشکیلات قضایی و این دادرسی کیفری ناظر بر اطفال بزهکار و نوجوانان، تحقیقات جدید در علوم انسانی، پاییز، دوره سوم، شماره ۱۳.
۸. سیرت، پویا و همکار (۱۳۹۶) نوآوری‌های قانون کیفری جدید در جرایم اطفال، نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، بهار، دوره سوم، شماره ۲۱.
۹. طاهری، سودابه و اسدی، حسن (۱۳۹۷) تحلیل جامعه‌شناختی بر این دادرسی مربوط به جرایم اطفال در فقه و حقوق موضوعه، علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، تابستان، شماره ۴۱.

۱۰. عباسی، نیکزاد و دیگران (۱۳۹۷) بررسی و نقد جلوه های ظهور دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار در قانون این دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انتظامی اجتماعی، زمستان، شماره ۲۸
۱۱. عسگری ارجنگی، سید احمد (۱۴۰۰) تاملی بر دادرسی کیفری افتراقی جرایم اطفال و نوجوانان از حیث تشریفات رسیدگی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ارا، پاییز، شماره ۲۲.
۱۲. قلایی، میثم (۱۳۹۶) قوانین ناظر بر دادرسی اطفال در حقوق کیفری ایران، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، تابستان، دوره سوم، شماره ۲/۲.
۱۳. قلیچ، معصومه (۱۳۹۹) دادرسی منصفانه اطفال ناظر بر واکنش نظام قضایی، پژوهش های حقوقی قانون یار، زمستان، دوره سوم، شماره ۱۲.
۱۴. کشکولیان، اسماعیل و حیدری، مسعود (۱۴۰۰) سیر تحولات دادرسی دادگاه اطفال در حقوق کیفری ایران، حقوق کودک، بهار، شماره ۹.
۱۵. منصور ابادی، عباس و دیگران (۱۴۰۰) مبانی و جلوه های جایگزین های دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۵۳.
۱۶. موذن زادگان، حسنعلی و غلامی، نبی الله (۱۳۹۸) واکاوی تحولات قانون این دادرسی کیفری در خصوص قرارهای تامین کیفری اطفال و نوجوانان، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق پردیس خواهران، دوره ۲۴، شماره ۷۰، بهار و تابستان.
۱۷. میرکمالی، سید علیرضا و حسینی، انسیه (۱۳۹۵) دادرسی افتراقی اطفال در قانون این دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری، پاییز و زمستان، شماره ۱۴.
۱۸. نکونام، وحید (۱۴۰۲) دادرسی افتراقی اطفال بزه دیده در مرحله پیش محاکمه، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، تابستان، شماره ۴۱.
۱۹. نیازپور، امیرحسن، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان (۱۳۹۳)، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۲۰. احمدی مقدم، جواد و نیری، نرگس، ۱۳۹۷، نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد، <https://civilica.com/doc/771210>
۲۱. احمدی مقدم، جواد و نیری، نرگس، ۱۳۹۷، نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد، <https://civilica.com/doc/771210>
۲۲. شعبانی، مهدی و قربانی، لیلا، ۱۳۹۵، دادرسی کیفری ییژ اطفال و نوجواناندر حقوق ایران، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم اجتماعی، <https://civilica.com/doc/550704>
۲۳. موذن زادگان، حسنعلی و غلامی، نبی اله، ۱۳۹۸، واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص قرارهای تامین کیفری اطفال و نوجوانان، <https://civilica.com/doc/1011399>

Abstract

Differential justice refers to a specific way of applying judicial justice that uses different and distinctive methods compared to regular justice due to the importance of the specific conditions of individuals and groups under trial. The goal of differential justice is to reduce the potential harm caused by the judicial process to vulnerable groups such as children, adolescents or victims. In this area, laws and legal structures try to provide a suitable space for handling their cases, considering the psychological, social and cultural status of these groups. This article, with a descriptive analysis approach and using library tools, describes differential justice as a tool for improving the response to the specific needs of child victims and ensuring effective justice. In this article, differential justice is proposed as a part of criminal policy that is dedicated to combating violence, psychological and social harm to child victims. This approach is applied not only in the initial stages of preliminary investigations, but also in the trial and sentencing processes. According to the Law on the Protection of Children and Adolescents of 2010, the establishment of support mechanisms such as education, psychological counseling, and the use of social institutions to protect children are included in the scope of this type of proceedings. The Law on the Protection of Children and Adolescents of 2010 is one of the most important legal sources that addresses differentiated proceedings for children. Article 6 of this law emphasizes that during the stages of criminal proceedings, children must be accurately identified and their mental, physical, and social status taken into account. Also, Article 13 of the Law on Criminal Procedure of 2013 emphasizes the need to hold hearings in a non-public and participatory manner in order to prevent psychological harm to children. In addition, according to Article 22, training and empowering judges and judicial staff in dealing with cases of child victims is one of the main emphases of differentiated proceedings.

Keywords

Differential justice, children and adolescents, personality case, special court, challenges.
